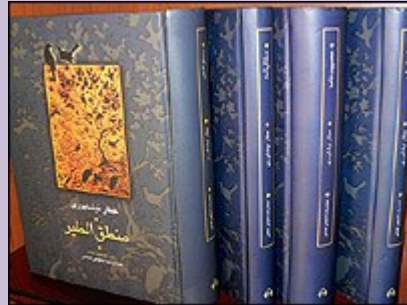


بررسی کتاب:

نگاهی به آثار عطار با تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی
ابوالحسن مختاباد: کارشناس کتاب و نشر



آثار عطار با تصحیح دکتر شفیعی کدکنی

انتشارات سخن



ویژگی مهم این کتاب ها علاوه بر نام عطار که عارف و شاعری نامدار در قرن پنجم به شمار می رود، مصحح و شارح آن، دکتر شفیعی کدکنی است که آثار وی در حوزه تحقیق ادبی و تصحیح از استاندارد هایی در طرازهای جهانی برخوردار است و همین امر مجموعه میراث مثنوی سرایی عطار را اهمیتی دو چندان می بخشد.

دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی و دکتر ایرج افشار لحظاتی بعد از رونمایی مجموعه کتابهای شفیعی - اسفند ۱۳۸۶

شیوه تصحیح و تعلیقه نویسی و مقدمه نگاری دکتر شفیعی کدکنی در نشست رونمایی این کتاب، که اوایل اسفند برگزار شد، مورد تاکید

بسیار قرار گرفت و حتی دکتر محمد جعفر یاحقی، استاد زبان و ادبیات فارسی آن را انقلابی در تصحیح متون کهن، بعد از مرحوم محمد قزوینی، با توجه به نیازهای روز برشمرد و از شفیعی کدکنی خواست که شیوه تصحیح خود را در قالب کتابی آموزشی انتشار دهد.

”از ویژگی های مهم تصحیح دکتر کدکنی این است که خواننده این منظومه ها متوجه خواهد شد، از رهگذر این شیوه تصحیح و نقد و تحلیل متن، چه مقدار کلمات و تعبیرات نویافته وارد زبان عطار و از طریق او وارد فرهنگ های آینده زبان فارسی خواهد شد.“

“

از ویژگی های مهم تصحیح دکتر کدکنی این است که خواننده این منظومه ها متوجه خواهد شد، از رهگذر این شیوه تصحیح و نقد و تحلیل متن، چه مقدار کلمات و تعبیرات نویافته وارد زبان عطار و از طریق او وارد فرهنگ های آینده زبان فارسی خواهد شد.

شیوه تصحیح و تعلیقه نگاری

روش دکتر شفیعی کدکنی در تصحیح مجموعه آثار عطار این بوده که قبل از هر کار دیگری به تهیه برگه هایی از به قول خود "مجموعه زبانی" آثار مسلم عطار، یعنی منطق الطیر، اسرار نامه، الاهی نامه، مصیبت نامه، دیوان قصاید، و غزلیات و مختار نامه و تذکره الاولیاء، پرداخته است.

در فراهم کردن این برگه ها تمام ویژگی های زبان و بوطیقای

عطار مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه حتی به حروف اضافه ای چون بر، در و ... در کلماتی چون سر آمدن/ برسر آمدن/ توجه شده است.

توجه به تعلیقاتی که دکتر کدکنی در چهار کتاب یاد شده آورده است، از میزان دقت و تیزبینی وی در بهره وری از مجموعه آثار عطار خبر می دهد. دکتر کدکنی در تعلیقات هر کتاب سعی کرده هیچ نکته ای را بی پاسخ نگذارد و البته در تمامی این توضیحات استناداتش به کتاب های کهن و شاخصی است که از آنها در توضیح هر واژه یا عبارتی شاهد مثال آورده است.

از رهگذر این روش مصحح و شارح وارد مرحله دوم کار شد که تهیه نسخه های قدیمی و استوار آثار عطار بود به نوشته آقای کدکنی در مقدمه منطق الطیر "از تامل در سبک و شیوه خاص عطار، توانستم نسخه های موجود را نوعی طبقه بندی کنم و آنها را که اهمیت بیشتری داشتند در تصحیح خود مورد استفاده قرار دادم و مسئله ترتب را هرگز از یاد نبردم."

آقای کدکنی معتقد است که زبان عطار متمایز از زبان رسمی شعرای قرن ششم و هفتم است و بسیاری از اجزای سخن او را در لهجه نیشابور و کدکن کنونی (زادگاه عطار و دکتر شفیعی کدکنی) می توان یافت که برخی از این نکات زبانی را در تعلیقات کتاب توضیح داده که بسیار

راهگشای پژوهشگران است و از درک تازه ای از بوطیقای زبانی شعرا در تصحیح متون خبر می دهد.

جستجوهای ۴ دهه ای آقای کدکنی درباره نسخه های مختلف موجود از آثار عطار وی را به این سمت رهنمون می سازد که اذعان کند "هنوز هم درست ترین و کامل ترین و اصیل ترین نسخه منطق الطیر که در جهان شناخته شده است، همان دو نسخه خط ابراهیم بن عوض مراغی است که از لحاظ تاریخی نیز قدیمی ترین نسخه های موجود است."

در مجموع، دکتر کدکنی برای تصحیح منطق الطیر علاوه بر این دو نسخه ۱۰ نسخه دیگر را هم اساس کار خود قرار داده است. در تصحیح اسرار نامه (۱۰ نسخه)، تصحیح مصیبت نامه (۱۰ نسخه) و در تصحیح مختار نامه (۸ نسخه) مورد اعتنا بوده است. در تصحیح سه کتاب نخست نسخه ابراهیم بن عوض مراغی اصل قرار داده شده و افتراقات این نسخه با نسخه های دیگر هم در تعلیقات مفصلی که در هر چهار کتاب حجمشان از اصل سروده های عطار بیشتر است، آورده شده است.

آقای کدکنی در توضیح خود درباره آوردن نسخه بدل ها در تعلیقات نوشته است: "آوردن نسخه بدل ها در تعلیقات، از آن رو است که این گونه نسخه بدل دادن، خود امری استدلالی و تحقیقی و نوعی تعلیقه نوشتن است، نه امری مکانیکی و ماشینی و به اسلوب نقاشی کردن، بی هیچ گونه نقد و استدلالی." این گونه است که خوانندگان در خلال تفاوت های بررسی شده این گونه نسخه بدل ها، توسط مصحح و اجتهادش در اصل قرار دادن یک کلمه و فرع قرار دادن کلمه ای دیگر به درجه اجتهاد و نگاه انتقادی و دانش وی از منظومه فکری مولف می توانند پی ببرند.

“ آوردن نسخه بدل ها در تعلیقات، از آن رو است که این گونه نسخه بدل دادن، خود امری استدلالی و تحقیقی و نوعی تعلیقه نوشتن است، نه امری مکانیکی و ماشینی و به اسلوب نقاشی کردن، بی هیچ گونه نقد و استدلالی

“

دکتر شفیعی کدکنی

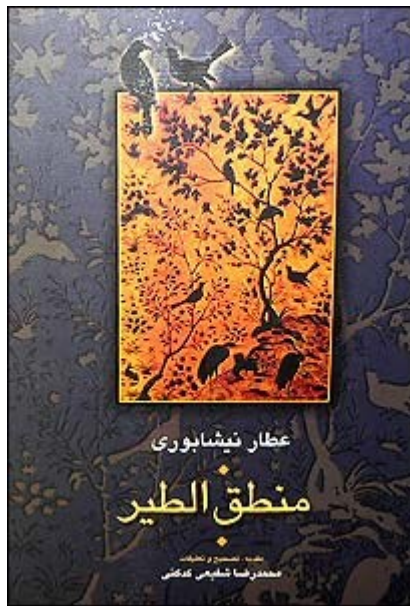
دکتر کدکنی سعی کرده در تمامی مواردی که نسبت به کلمه یا عبارتی کوچک ترین ابهام و تردیدی وجود داشته، اختلاف نسخه ها را به دست دهد و البته درباره صحت و سقم هر یک بحثی جدی و کارشناسانه را سامان دهد.

بوطیقا یا دستور زبانی عطار

فصلی از کتاب دکتر کدکنی به گرامر زبانی با به تعبیر خود وی بوطیقا یا جمال شناسی شعر عطار اختصاص یافته است.

به گفته دکتر کدکنی: "عطار به دلایلی، که بر ما پوشیده نیست، نخواست خود را در مسیر تکاملی تابع مقررات عصر قرار دهد."

به اعتقاد آقای کدکنی "جمال شناسی موسیقی شعر فارسی چند نسل قبل از عطار به مرحله ای از رعایت اصول عروض و قافیه رسیده بوده است که عطار اگر می خواست قواعد و اصول تاریخی عصر خود را، در قلمرو ساخت و صورت های شعری رعایت کند، هر آینه باید فاقد بسیاری از این ویژگی های سبکی یا نقاط ضعف فنی می بود."



دکتر کدکنی معتقد است "از تامل در نسخه های کهن تر آثار عطار می توان دقیق تر به گرامر زبانی وی دست یافت."

دریافت های دکتر کدکنی از گرامر زبانی عطار و تغییراتی که وی با توضیحاتش می دهد حیرت انگیز است.

برای نمونه به اعتقاد دکتر کدکنی عطار چند ساکن را در کنار هم قرار می داده است که در عرف معاصران وی و چند نسل قبلش هم کمتر دیده شده است. همچنانکه وی معتقد است عطار برخی کلماتی که در خواندن امروزی بر وزنی همانند فع لن است را بر وزن

فاعلن ادا می کرده است و همین امر سبب شده است تا بسیار کاتبان و نسخه پردازان به جای توجه به این نکته ظریف این گونه کلمات را در شعر او غلط عروضی تشخیص می دادند و کلمات بیت یا مصراع را به سلیقه خود بدل کرده و تلفظ خود را جانشین تلفظ عطار کردند.

با توجه به چنین ریز بینی های مصحح است که می توان دریافت عطار بسیاری از کلمات را به گونه ای که در لهجه او تلفظ می شده است وارد شعر خود کرده است و کاتبان که "زبان

رسمی" را معیار می دانسته اند، کوشیده اند چندان تغییر در سخنان او ایجاد کنند که به صورت زبان رسمی در آید، مثلاً در مقدمه دکتر کدکنی آمده است که "گرسنگی در زبان عصر او همان گشنگی بوده که در زبان کدکن امروز هم گسنگی تلفظ می شود."

از طریق همین ریزینی های کارشناسانه و علمی و تتبع در زبان و لهجه عطار و شیوه علمی تصحیح وی ایرادات فراوانی را بر چهره هایی چون دکتر حمیدی شیرازی، سعید نفیسی، هلموت ریتر و فروزانفر، فریتز مایر، صادق گوهرین که درباره عطار نوشته هایی داشته اند وارد کرد و در مقدمه کتابش با جسارت تمام و با ذکر مثالهای فراوان این اشارات و عبارات را با دلیل و سند و مدرک تاریخی یا تصحیحی آورده است.

ساختار کتاب ها

ساختار کتاب ها و چینش مطالب به گونه ای است که در ابتدای کتاب مقدمه ای طولانی درباره آن کتاب، نظایر آن در ادب فارسی، شرح نسخه ها و اهمیت آنها، بوطیقا و روش شناسی کار عطار و در ادامه متن کتاب و سپس تعلیقات که حجم عمده این کتاب ها را به خود اختصاص داده، فهرست اعلام، راهنمای تعلیقات، و سپس کشف الابیات و در نهایت کتابنامه آمده است.

البته در این میان کتاب منطق الطیر استثناست، چرا که در آن مقدمه کتاب بسیار طولانی تر از کتاب های دیگر است و مهمترین مسائل درباره زندگی و فلسفه فکری و فرهنگی عطار آماده است و در کتابهای دیگر هر جا که به این گونه مباحث احتیاج می افتد آقای شفیع خواننده را به مقدمه این کتاب ارجاع می دهد.

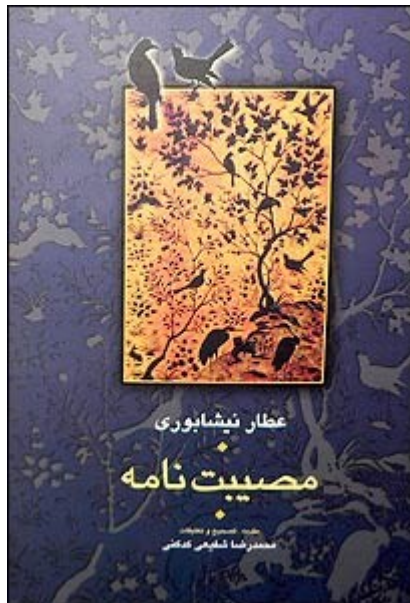
نکته ای که می تواند کتاب را برای خواننده روان تر از این کند، آوردن تمامی تعلیقات هر بیت در پای همان صفحه است که سبب می شود کتاب کاربردی تر شود.

این تجربه البته در چند سال اخیر از سوی ناشرانی چون فکر روز، روزنه و... در انتشار آثار کهن ادبیات فارسی رواج یافته است و خواننده عام هم از این گونه کتاب آرای استقبال کرده است.

منطق الطیر

در این مجموعه ۵ جلدی منطق الطیر از شهرت و اعتباری جدای آثار دیگر برخوردار است. این کتاب که به گفته ناشر چاپ پنجم آن همزمان با کتاب های تازه چاپ منتشر خواهد شد، نخستین اثر از این مجموعه است که در چنین قالبی منتشر شد.

به گفته دکتر کدکنی در مقدمه کتاب: "کمتر اثری از آثار منظوم ادب فارسی چنین ساختار کاملی دارد. تنها در بخش هایی از شاهنامه، از قبیل داستان رستم و اسفندیار، می توان از چنین هماهنگی و انسجامی در طرح صحنه ها و حوادث داستان نشانه ای جست و گزید در هیچ منظومه دیگری چنین ساختاری دیده نمی شود."



منطق الطیر عطار داستان سفر مرغان است که بامصرع "مجمعی کردند مرغان جهان" آغاز می شود و در لابلای آن حکایت های اخلاقی فراوانی همانند داستان شیخ صنعان و ... آمده و در نهایت به داستان ابوسعید ابوالخیر و قائم حمام و پرسیدن او از ماهیت جوانمردی و پاسخ ابوسعید تمام می شود. در کتاب ۹۰۰ صفحه ای منطق الطیر، ۲۳۰ صفحه به مقدمه و شیوه تصحیح و فلسفه کاری عطار، ۲۰۰ صفحه متن کتاب و بقیه به تعلیقات و کشف الایات و فهرست منابع اختصاص یافته است.

مصیبت نامه

مصیبت نامه به اعتقاد دکتر کدکنی پس از منطق الطیر برجسته ترین اثر عطار به شمار می رود. وی علت کم شناختگی این اثر را نام آن می داند که غالباً تصور می کردند و می کنند که کتابی است در فن مصیبت سرایی و نوحه خوانی، حال آنکه عطار در این اثر سوگنامه تبار انسان و اضطراب های بیکران و جاودانه آدمی و مشکلات ازلی و ابدی بشر را سروده است و این که در عرصه معرفت شناسی الاهیات، همه کاینات سرگشته اند و گرفتار مصیبت، این کتاب از این چشم انداز، سوگنامه تبار آدمی است.

مصیبت نامه حجیم ترین کتاب این مجموعه است که در نزدیک به هزار صفحه منتشر شده است. ۱۲۰ صفحه کتاب به مقدمه، ۳۴۰ صفحه متن کتاب و بقیه به تعلیقات و توضیحات اختصاص یافته است.

اسرار نامه

برخلاف سه کتاب دیگر (منطق الطیر، الهی نامه و مصیبت نامه) که دارای پیرنگ کلان و طرحی سراسری است که در خلال آن طرح داستان های کوتاهی به تناسب ابواب و فصول می آید و شاعر آرایش طبیعی داستان اصلی را از رهگذر آن داستان های فرعی و نتیجه گیری خاص خود از آن حکایات به سامان می رساند، در اسرار نامه اما پیرنگ کلانی وجود ندارد، کتاب مانند دیگر مثنوی های عرفانی-اخلاقی قبل از عطار، از جمله حدیقه الحقیقه سنایی و مخزن الاسرار نظامی، بر طبق ابواب و فصول خاص تدوین شده و هر فصل و مقاله حکایاتی را در خلال خود به همراه می آورد.

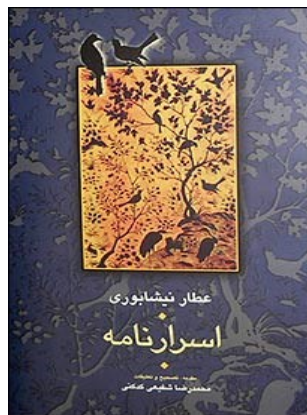
۸۰ صفحه از این کتاب ۶۰۰ صفحه ای به مقدمه، ۱۶۰ صفحه متن و بقیه به تعلیقات و توضیحات درباره ابیات کتاب اختصاص یافته است.

مختار نامه

مختار نامه که نخستین بار در سال ۵۷ چاپ شد برای بار دوم در سال ۱۳۷۴ منتشر شد و اکنون همان کتاب بدون کمترین دخل و تصرفی در شکلی همسان با چهار کتاب دیگر از سوی انتشارات سخن به بازار کتاب عرضه شده است. مختار نامه بر خلاف نام غلط اندازش مجموعه رباعیات عطار است که به اعتقاد آقای کدکنی «علاوه بر ارزش های عرفانی و ادبی که دارد، در راه خیام شناسی هم از اعتبار برخوردار است، چرا که بسیاری از معروف ترین و زیباترین رباعی هایی که به نام خیام شهرت یافته، براساس نسخه های قدیمی این کتاب، همگی از آن عطارد و انتساب آنها به خیام حد اقل مربوط به دو قرن بعد از نوشته شدن نسخه های متن این کتاب است.

این کتاب در ۴۹۲ صفحه تدوین شده و به قیمت ۷۵۰۰ تومان

به فروش می رسد.



کار دکتر کدکنی را می توان احیای دوباره عطار نام نهاد که در پرتو مجموعه آثار وی رخ می نماید. کوشش دکتر شفیعی کدکنی و دوزیست بودنش در محیط ادبی (هم شاعری برجسته و هم محقق نامدار) و نگاهی که وی به زندگی و زمانه عطار و شیوه تفکرش انداخته است، می تواند جامعه فکری و فرهنگی ایرانی، و نیز جهانی را به گنج و گنجینه ای

دیگر از میراث ایرانی متوجه سازد که همانند مولوی و فردوسی و حافظ و سعدی، تفکر و اندیشه تاریخی ایرانیان و پارسی زبانان را به جامعه جهانی متوجه سازد.

دکتر کدکنی خود درباره ابرهای ابهامی که زندگی و آثار عطار را در برگفته توضیحی دقیق داده است: "در میان بزرگان شعر عرفانی فارسی، زندگی هیچ شاعری به اندازه زندگی عطار در ابر ابهام نهفته نمانده است. اطلاعات درباره مولانا صد برابر چیزی است که در باب عطار می دانیم. حتی آگاهی ما درباره سنایی غزنوی که یک قرن قبل از عطار می زیسته است، بسی بیشتر از آن چیزی است که در باب عطار می دانیم."

"نه سال تولد او به درستی روشن است و نه حتی سال وفات او. این قدر می دانیم که او در نیمه دوم قرن ششم و ربع اول قرن هفتم می زیسته است. چند کتاب منظوم و یک کتاب به نثر از او باقی است."

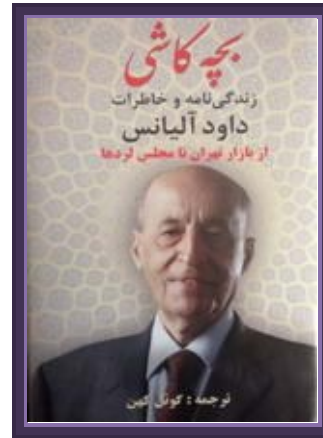
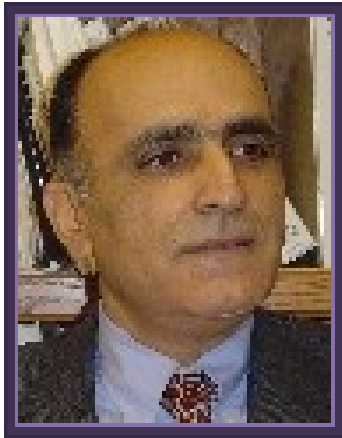
"نه استادان او، نه معاصرانش و نه سلسله مشایخ او در تصوف، هیچ کدام، به قطع روشن نیست. از سفرهای احتمالی او هیچ آگاهی نداریم و از زندگی شخصی و فردی او و زن و فرزند و پدر و مادر و خویشان او هم اطلاع قطعی وجود ندارد."

"در این باب هرچه گفته شده است، غالباً احتمالات و افسانه ها بوده است و شاید همین پوشیده ماندن در ابر ابهام خود یکی از دلایل تبلور شخصیت او باشد که مثل دیگر قدیسان عالم در فاصله حقیقت و رویا و افسانه و واقعیت در نوسان باشد."

کتاب «بچه کاشی»، خاطرات داوود آلیانس

ترجمه گوئل کهن

چاپ موسسه ساتراپ لندن



انتشار خاطرات لرد داوود آلیانس یکی از رویدادهای مهم سال های اخیر در زمینه خاطره نویسی ایرانیان ساکن در خارج از کشور به شمار می رود.

پروفسور گوئل کهن، استاد و محقق که نامی معتبر در زمینه های تحقیقی علوم شیمی، مدیریت، و تاریخ نگاری مدرن ایران است و ترجمه این خاطرات به همت ایشان انجام شده، در مقدمه می نویسد:

"صراحت و صداقت آلیانس در بیان هنرنمایی ها و پستی و بلندی های زندگی پر ماجرایش باعث شده تا این کتاب را بی اغراق، نمادی از چالشگری و موفقیت در «فضای آزاد» قلمداد کنیم؛ زیرا به روشنی نمایانگر این اصل است که چگونه توانمندی ها و لیاقت های نهفته انسان می تواند در محیط مناسب شکوفا شده و امکان ظهور یابد."

این کتاب پیشتر به زبان انگلیسی با عنوان «یک زندگی بازاری» انتشار یافت، اما ترجمه استادانه دکتر کهن آنرا به فضای ایرانی وارد کرده و نسخه فارسی را با توضیحات دقیق تری همراه ساخته است.

کتاب «بچه کاشی» در ۶۰۰ صفحه شامل ۲۷ فصل و عکس‌های متعدد و فهرست کاملی از نام‌های ارائه شده در کتاب است. به گفتهٔ پروفیسور کهن در مقدمه، علت نام‌گذاری «یک زندگی بازاری» بر اصل کتاب به زبان انگلیسی، اعتقاد نویسنده به این است که هر چه می‌داند و هر تخصصی که یافته، به همان چهار سال دوره نوجوانی‌اش بر می‌گردد که در بازار تهران شاغل بوده است.

در این کتاب ماجرای اعطای لقب «لُرد» به داود آلیانس نیز شرح داده می‌شود. آلیانس برای اولین بار در تاریخ بریتانیا به دلیل محبوبیت در میان کارگران نساجی که اشتغال خود را مدیون احیای صنعت نساجی توسط آلیانس می‌دیدند، این لقب به توصیهٔ اتحادیه‌های کارگری به داوود آلیانس داده می‌شود.

در نوشته‌ای که در کیهان لندن به مناسبت رونمایی این خاطرات در کتابخانهٔ ایرانیان لندن منتشر شد، آمده است:

"به دنبال نامه‌نگاری‌های فراوان با نخست وزیر وقت، مارگارت تاچر، اتحادیه‌های سراسری نساجی تقاضا کرده بودند که از طرف ملکه لقب «لُرد» به داود آلیانس اعطا شود. نکتهٔ دیگر آنکه در زمان تاچر که بریتانیا دستخوش اعتصاب‌های کارگری زیادی بود، کارگران کارخانه‌های آلیانس دست به اعتصاب نزدند. یعنی وی همیشه در کنار و همراه با کارگران خود و اساساً مانند آنان کار کرده و از دست زدن به کارهای شاق هیچ ابایی نداشته است.

"علاوه بر این، وی به وضعیت کار و زندگی کارگران خود همواره رسیدگی کرده و شرایط معیشتی خوبی را برای آنان فراهم کرده است. در یک کلام، هم کار خوب خواسته و هم امکانات خوب در اختیار کارگران خود قرار داده است. بنابراین عجیب نیست که داود آلیانس از نظر عقاید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک سوسیال دموکرات و مورد حمایت اتحادیه کارگری است. این موضوع احتمالاً به دورانی که او زندگی سخت و فقیرانه‌ای در منچستر داشته بر می‌گردد که هیچ‌وقت آن دوران را فراموش نکرده است.

"وی همواره سعی کرده که رابطه مثبتی با کارگانش و اتحادیه‌های کارگری داشته باشد. البته چنانکه خود در مراسم رونمایی کتاب تصریح کرد در مواقعی هم به منظور «بهینه‌سازی» کارخانه‌هایی که در اختیار می‌گرفته، مجبور به کاستن نیروی کار و اخراج کارگران و کارکنان هم می‌شده است".



فصل اول کتاب "کاشان" نام دارد ولی از تهران شروع می شود:

"آخرین روز مدرسه ام بدطوری شروع شد و به بدترین روز زندگی ام تبدیل شد."

او شرح می دهد که در آخر سال پایانی مدرسه ابتدایی که همه در حیاط مدرسه جمع شده بودند و آقای مطلوب، مدیر مدرسه اسامی قبول شدگان را اعلام می کرده، اسم او اعلام نمی شود و او دلشکسته و نا امید از راه یافتن به دبیرستان به طرف بازار می رود. ولی سر راه خواهرش خبر قبولی اش را به او می دهد و او با عجله به مدرسه برمی گردد، کارنامه اش را می گیرد و خوشحال به خانه می رود.

و در خانه: پدرم مرا به اتاق برد، در را بست و مرا رو به روی خود نشاند. دل تو دلم نبود می دونستم که باید کار خطایی کرده باشم و در حالی که کارنامه ام را با افتخار در مشتم گرفته بودم آماده بودم که از خودم و بی گناهی ام دفاع کنم .

پدر نباید از دست من عصبانی باشی، تو گفتی که من نمی توئم قبول بشم ولی شدم و حالا می توئم به دبیرستان برم، چرا به جای اینکه به من پاداش بدی از دست من عصبانی هستی ؟

آلیانس در ادامه شرح می دهد که چطور چهره پدرش به یکباره عوض شد و با خوشرویی به او می گوید:

می خواهم بهترین هدیه ای که تا به حال داشتی را به تو بدهم. دوچرخه می خواهی؟
ساعت می خواهی؟

ولی پدرش بی مقدمه می گوید:

از امروز دیگر صنار هم به تو نمی دهم، اگر اینها را می خواهی باید برایش کار کنی.

در نوشته ای که در کیهان لندن به مناسبت رونمایی این خاطرات منتشر شد آمده است:

"آلیانس می گوید شاید این گفت و گوی کوتاه به تنهایی آینده اش را رقم زده باشد و شوکی که آن روز از این بی عدالتی بر او وارد شد را بعد از هفتاد سال هنوز هم حس می کند و با جزئیات در خاطرش باقی مانده است. اقدام پدر البته به آنجا ختم نشد و از آن روز او را از مدرسه می گیرد و برای کار به بازار می فرست. می گوید سال ها طول کشید تا توانست پدرش را ببخشد و بعد ها فهمید که پدرش خلق و خوی و استعداد او را شناخته بود و با آن تصمیم در حقیقت خیر او را می خواست. از آن روز بود که داوود سیزده ساله تصمیم می گیرد که روی پای خودش بایستد و دستش را نه فقط پیش پدرش بلکه پیش هیچ کس دراز نکند. تصمیمی که می گوید حتی در دوران سخت نداری و گاهی بی خانمانی در منچستر هم به آن پای بند مانده است.

"انگیزه آمدن آلیانس به منچستر صدور پارچه به بازار تهران و کسب تجربه در مورد محصولات نساجی منچستر بود که در آن زمان در ایران طرفداران زیادی داشت. البته دایه های او قبل از جنگ جهانی اول، از کاشان به منچستر آمده و کم کم در صنعت و تجارت پیشرفت کرده و موفق شده بودند. آلیانس هر چند ساکن منچستر می شود اما به شدت مصمم است که روی پای خود بایستد و از آنها کمک مالی قبول نمی کند.

"آلیانس با تکیه بر همین پیگیری در ۲۴ سالگی اولین کارخانه نساجی را در منطقه صنعتی - کارگری «یورکشایر» در اختیار می گیرد. این همان کارخانه ای است که او مدت زیادی برای خرید اجناس به انبار آن مراجعه می کرده تا با خرید و فروش آنها بتواند سودی اندکی به دست آورد، اما مدیران کارخانه حتی در راه وی باز نمی کردند. با این حال او «... حاکمیت

هوشمندانه خود را بر این صنعت در کمتر از دو دهه بعد، آنچنان مستحکم می‌سازد که هم عنوان «سلطان صنعت نساجی» انگلستان را به خود اختصاص می‌دهد و هم...» (از مقدمه ترجمه فارسی کتاب).

"آلیانس هر چند تحصیلات دانشگاهی در هیچ یک از زمینه‌های مهندسی و مدیریت یا اقتصاد و تولید صنعتی ندارد، ولی با تلاش و پشتکار به جایی می‌رسد که برای ایراد سخنرانی‌های تخصصی و راهبردی او را به مراکز علمی-صنعتی و به ویژه دانشگاه منچستر دعوت می‌کنند.

"آلیانس در کنار تسلط یافتن بر مدیریت صنعتی، حسابداری را نیز با پیگیری خاص خود از حسابداریش فرا می‌گیرد. در بسیاری از زمینه‌های نساجی او همواره به دنبال کشف و ابداع بوده است. در کنار انواع تولیدات از پارچه‌های معمولی، حوله، پوشاک و توانسته پارچه‌های چتر پرش برای نیروی هوایی بسیاری ممالک و از جمله ارتش بریتانیا تولید کند.

"مشارکت در امور خیریه و فرهنگی و پزشکی نیز بخش دیگری از واقعیات زندگی و فعالیت‌های عام‌المنفعه داود آلیانس است. وی در سوانح طبیعی مانند سیل‌ها و زلزله‌ها در چند دهه اخیر و نیز جنگ ایران و عراق، موفق به کمک‌رسانی شده و با ارسال پوشاک، پتو، چادر و غیره به ایران تعلق خاطر شدید خود به ایران را نشان داده است. در این زمینه باید به ایجاد کتابخانه در فین کاشان، فراهم ساختن امکانات کامپیوتری برای مدارس کاشان و مرمت و بازسازی یک زیارتگاه یهودی بسیار قدیمی در کاشان نیز اشاره شود. او ضمن حفظ حرمت کشور میزبان، بریتانیا، که مدت ۶۵ سال در آن زیسته و فعالیت کرده است، هنوز به ریشه‌ها و هویت یهودی-ایرانی خود وفادار مانده است. آلیانس علاقه شدیدی به زادگاه خود، کاشان، دارد و می‌گوید که هر شب با رویای کاشان و باغ‌های فین به خواب می‌رود. در خانه‌اش هم آثار ایرانی، جنبه غالب را دارند."